



Translate Luna

Clean Luna

Type Chika



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

با آتش به یه
آدم حمله می کنن؟!

بالله ذات واقعی
فودتو نشون دادی.
باسوس حقیر!!

bicker

squabble

اصلنم این طوری نیست ،
تو دوباره می خواهستی منو بزنی ،
پس براه پاره ای نداشتی !!

جناب ، شما دوباره داشتن
با روشای کثیف این بچه رو
شکنجه می دادین ؟

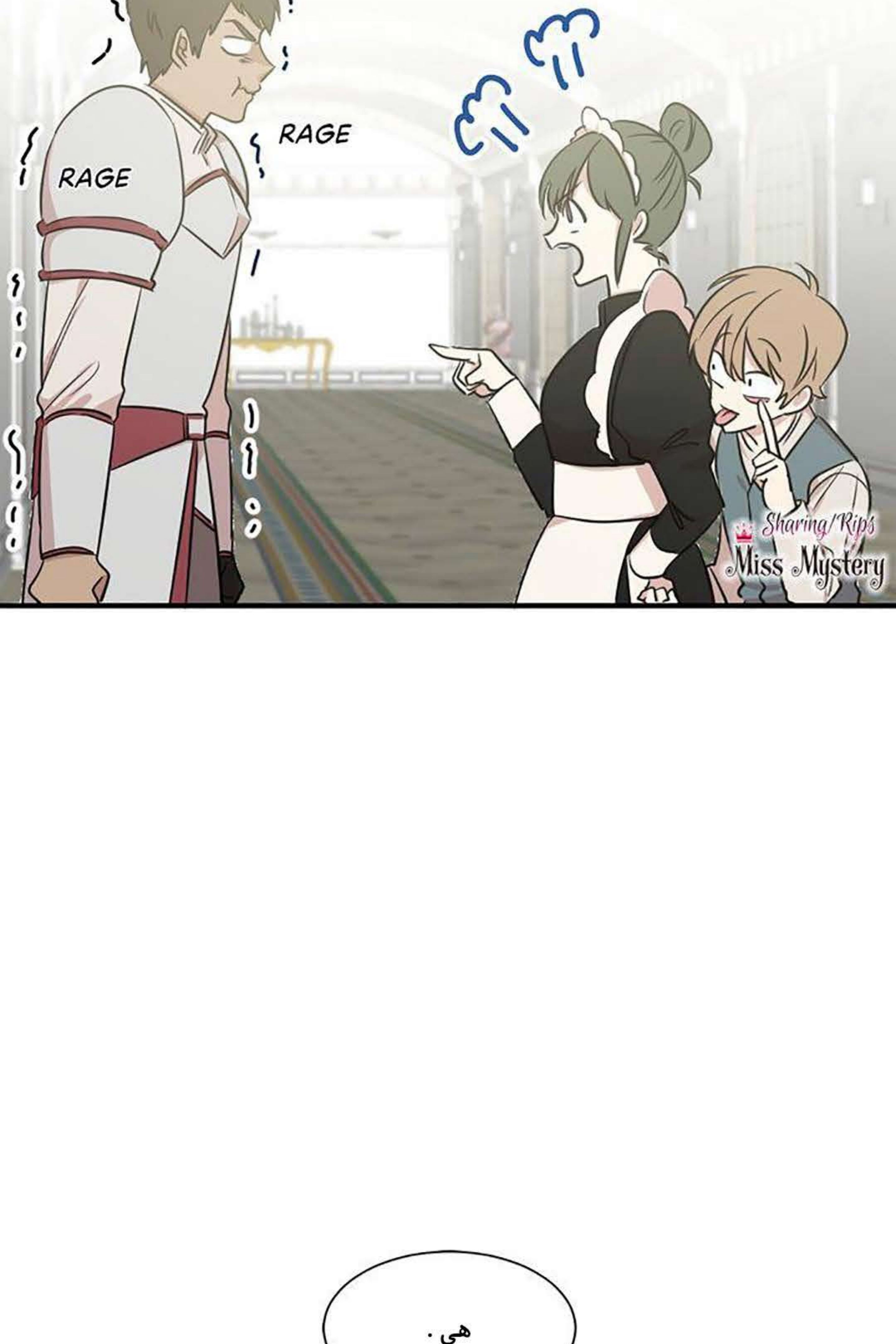
کثیف ؟!

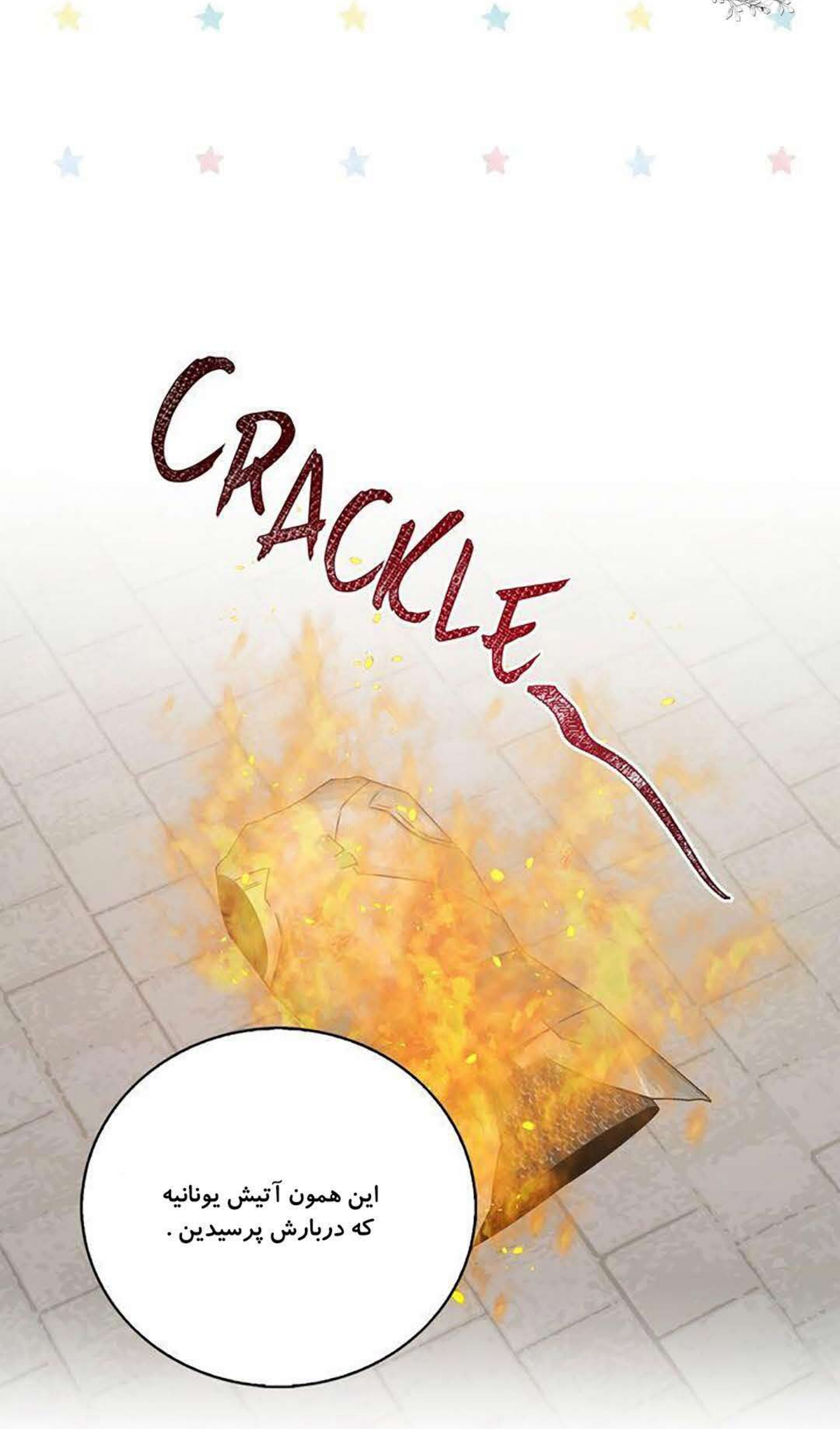
...

دالن دولوغ می گن
سرورمم !!~

Ep 11







و اگه روش آب پاشین
شعله اش بزرگتر می شه .

BLAZE



کین موش
آزمایشگاهی ریپو شده.

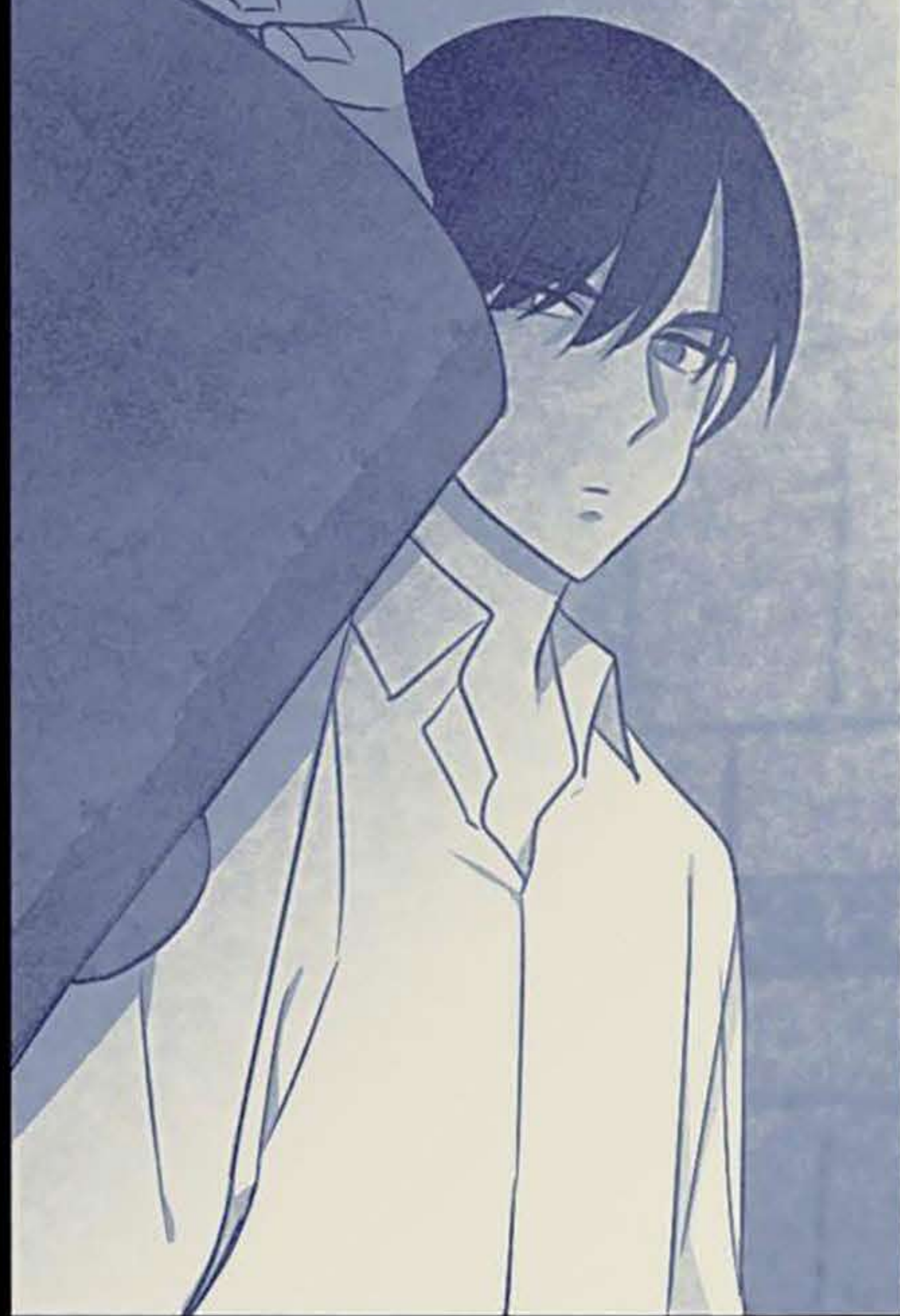


اون روز،



من و ادوارد به
قرار گذاشتیم.





اگه ادوارد تفهیم کنه
که برام یه زندگی راحت و بے غل و غش
توی قلعه فراهم کنه ،



منم براش تکنولوژی
فراهم می‌کنم

این آتیشه هم مال منه ؟

بله که مال شماس .
دستورالعملش رو هم
بهتون می‌دم ~

آفرین .

پس ، همون طور که
از اول نقشه داشتم ،

خب دیگه !

CLAP!

اگه حواسم به ادوارد باشه
پس این سرزمین از بین نمی ره !

نظرتون درباره
ساختن یه سلاح چیه...

برای قوی تر
کردنتون ، سرورم ؟!

نه خیر .

هنوز نمی‌تونم بهت اجازه
بدم سلاح بسازی .

DA

DUN

!
چرا آخه ...!؟

تو خیلی مشکوکی .



flinch

عیج !

تلاش کرد خیانت کنه

زندانش کرد

پاش رو شکسته

به نظر میاد کسیه
که اوراق برده ها رو
سوزونده



~ تمامی جنایات ~

به گناه نکرده متهمش کرده

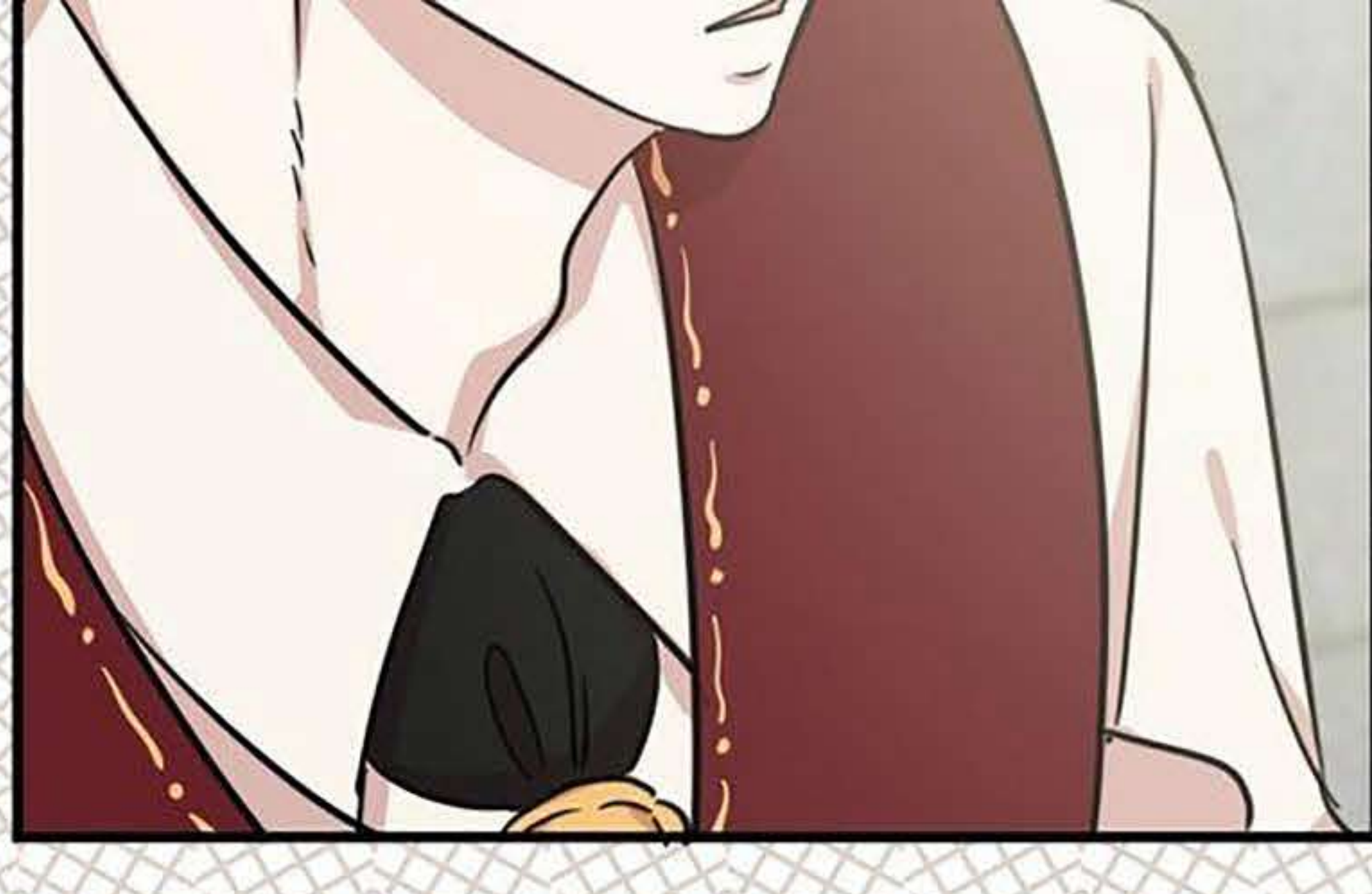
همین الان آتیشش زده



نمی تونم به یه آدم مشکوکی
مثل تو اجازه بدم توی قلعه
ابزار کشتار سر هم کنه .



(icy)



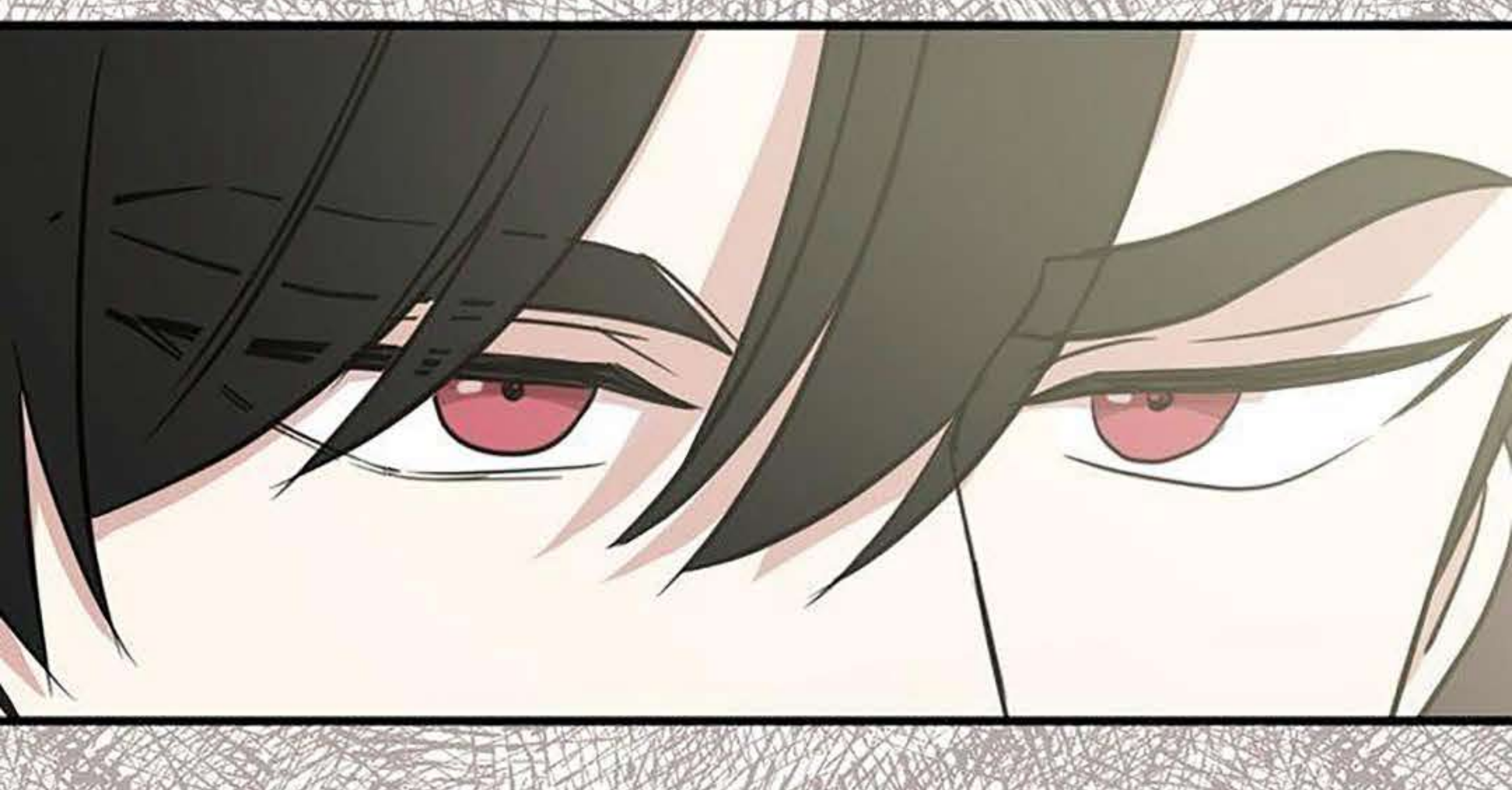
اگه می‌خوای مهارتتو
نشون بدی ،

اول چیزایی اختراع
کن که سلاح نباشن !



نه!

اگه پای ادوارد توی
این مدت خوب پشه ...



آه ...

پس تو نمی‌تونی
بهم اعتماد کنی ...



درستہ، این چنڈ روز من پا اون
درگیر پودیم پس فراموش کردم،

اما اون همیشه یہ
کاراکٹر محتاط پودہ ...



... خبر کہ ہے؟

هعی خدا ...

... می تونم براتون
پیشگویی کنم؟



...!



قبل از اینکه پاتون
کاملاً خوب بشه ،

!

قدم سوم برای زنده
موندن توی این دنیا...



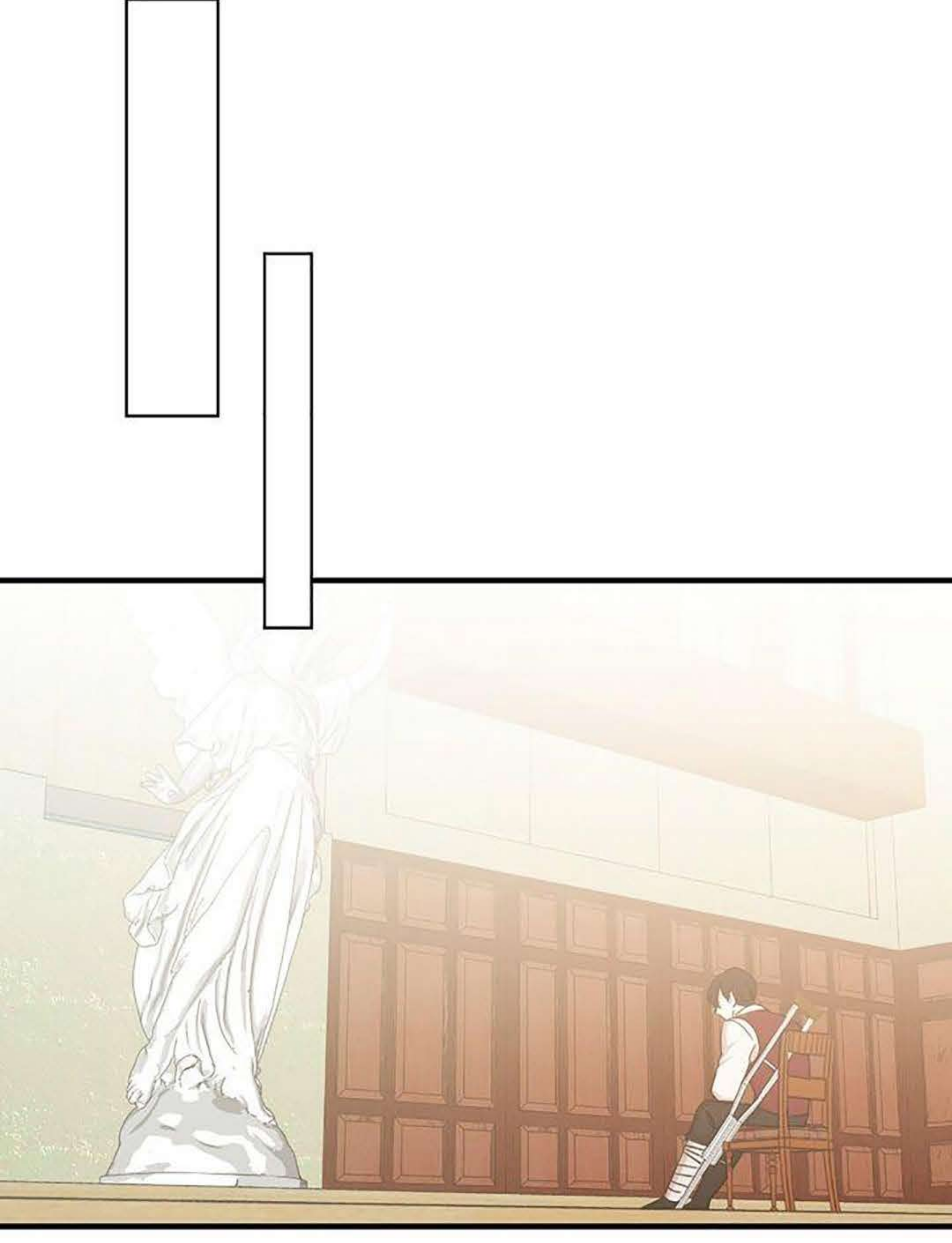
... من باید ...
... مهارت‌هام رو به
ادوارد نشون بدم !



به سلاح من نیاز پیدا
خواهید کرد ، سرورم .

ماموریت انجام شد ،
خدا رو شکر .





یا الهه ، لطفاً از قلعه
من محافظت کن ،

و از مردمم ...



...





... از شر اون
بچه مشکوک .

من اون قرار تکنسین
رو قبول کردم ...



... با حس کنجکاوی خالص .



پرای پار دوم پا تکنولوژی
چدید گول خوردم ، اما راه دادن
یه همچین آدم خطرناکی
نوی قلعه ...





ادوارد از وقتے بہ اجبار بہ
این مکان روندہ شد ، احساس
بیمودگی و گرفتاری ہے کرد ،

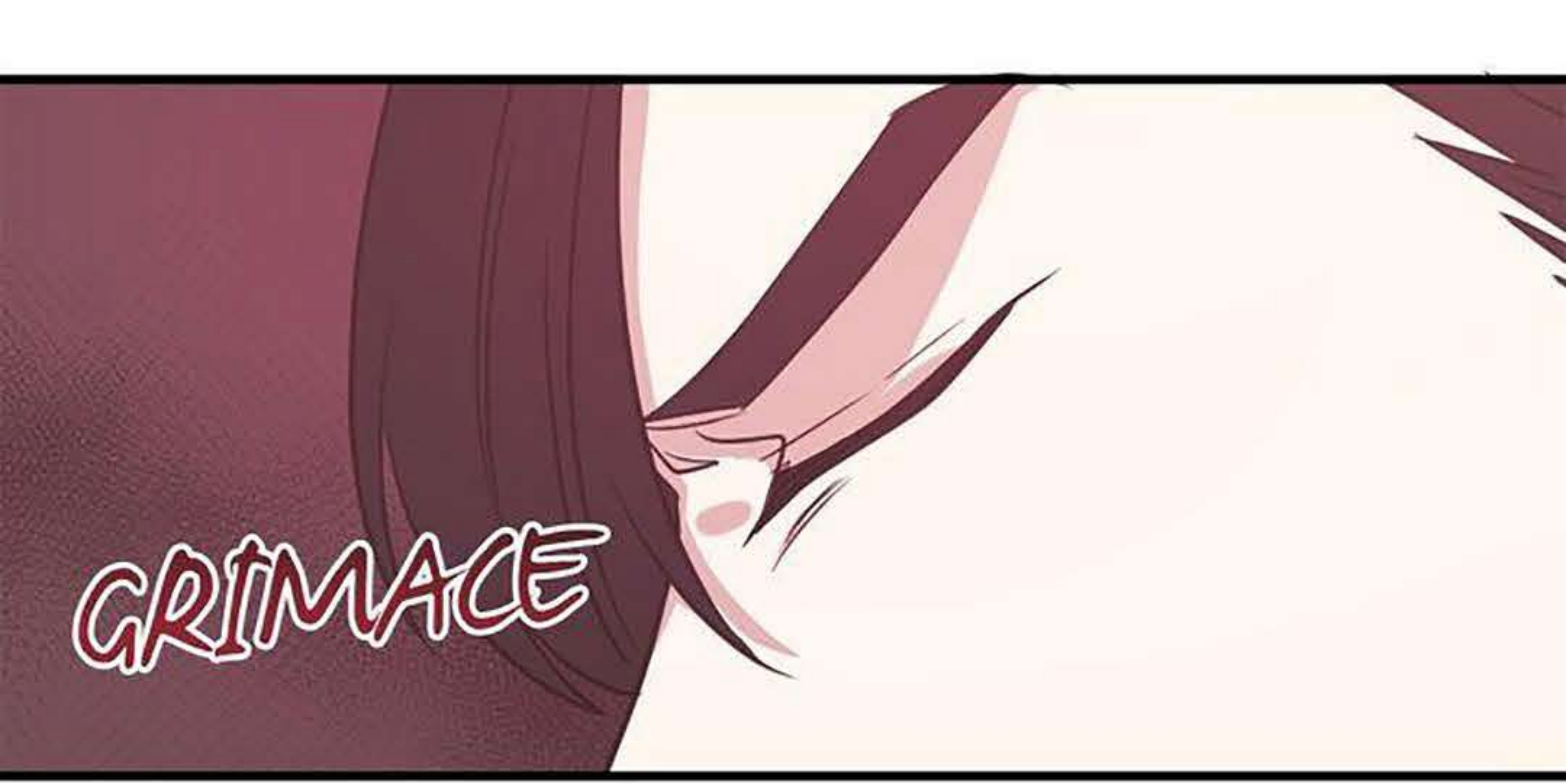
اما بہ ہر حال این قلعدہ ای بود
کہ ادوارد ازش مواظبت ہے کرد .



حتی اینجا رو بہ عنوان
مخونہ من ، قلعه دیہاس
صدا می زنن .



اما حتی همین لحظہ ،



GRIMACE



دلم ہے خواہ بیشتر و
بیشتر چیزایہ رو بینم کہ
اون برام ہے سازہ .



دنیا بزرگ تر بسازه ،
بزرگ تر از چیزی که هست ...



To Be Continued



Story : KIM SUO
Art : jaradog

©DAONCOMICS

